



مرکز پژوهش‌های بین‌الملل حوزه‌های فلسفه
Center for International Research of Hawrah (ICHI)

صامدون

نشریه الکترونیکی صامدون | ویژه‌نامه اربعین حسینی

سال اول / شماره اول / مرداد ۱۴۰۵



فهرست مطالب

- ۳..... پروفیسور دوگین نظریه پرداز روسی در رابطه با اربعین
- ۵..... هویت اربعین در منظومه فکری رهبر شهید
- ۹..... کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اربعین
- ۱۴..... مقاله آیندی پندنت درباره زیارت اربعین
- ۱۹..... اربعین با رویکرد منسک شناسی



پروفسور دوگین نظریه پرداز روسی:

"وقتی امام حسین (ع) فریاد آزادی سر می‌دهد و زیر بار ظلم و ستم نمی‌رود و می‌گوید مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است، این شعار امام حسین (ع) در راهپیمایی اربعین تجلی دارد"

راهپیمایی اربعین بستر خوبی برای نشان دادن تمدن اسلامی است. تمدن اسلامی موارد و شئون متعددی دارد، ولی اربعین از حیث اینکه در آن انسان‌ها از طیف‌های مختلف ندای هل من ناصر امام حسین (ع) را پاسخ می‌دهند یک حرکت بی‌مانند تاریخی است. در هیچ زمانی این پدیده نبوده و هیچ ملتی هم ظرفیت این را دارد. این نشان می‌دهد که امام حسین (ع) متعلق به بشریت است. هر چند امام حسین (ع) امام شیعه است، اما امام انسانیت است. این که می‌بینیم که عرب و عجم و شرقی و غربی در این راهپیمایی شرکت می‌کنند، خیلی مهم است. وقتی امام حسین (ع) فریاد آزادی سر می‌دهد و زیر بار ظلم و ستم نمی‌رود و می‌گوید مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است، این شعار امام حسین (ع) در راهپیمایی اربعین تجلی دارد. حتی من دیدم که پروفسور دوگین از روسیه که مسیحی هم هست در اربعین آمده بود و با یک اعجاب و شگفتی از اربعین صحبت می‌کرد. پروفسور دوگین نظریه پرداز بلندآوازه روس می‌گوید: حادثه پیاده روی اربعین که هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند از همه ملت‌ها و ادیان در آن شرکت می‌کنند و مقدمه یک تحول اساسی در مقیاس جهانی است. این حرف بنده نیست بلکه عین عبارت الکساندر دوگین است. الکساندر دوگین روسی و مسیحی می‌گوید حادثه پیاده روی اربعین که هر روز ابعاد بین‌المللی گسترده‌تری پیدا می‌کند و از همه ملیت‌ها و ادیان از جمله مسیحیان در آن شرکت می‌کنند، مقدمه یک تحول اساسی در مقیاس جهانی است. البته حرف‌های او بیشتر است که فرصت بیان آن نیست. می‌گوید دنیای مدرن با ایدئولوژی لیبرالیسم و سرمایه‌سالاری اش به پایان رسیده است و جز بحران آفرینی دستاورد دیگری برای بشریت نداشته است. بشر امروز محتاج یک رستاخیز معنوی و الهی است که مایه‌های آن

قویاً در انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی وجود دارد. این را کسی می‌گوید که یک پروفسور مسیحی است. از این قبیل قضاوت‌ها درباره اربعین باز هم وجود دارد. کدام کشور و ملت می‌تواند ۲۰ میلیون جمعیت را با اراده و عشق خودشان و پای پیاده یا سواره از اقصای نقاط عالم بیاورد که ندای هل من ناصر ۱۴۰۰ سال پیش امام حسین (ع) را پاسخ بدهند؟ امام حسین (ع) متعلق به همه بشریت است. امام حسین (ع) منادی عدل و آزادی و حریت و زیر بار ستم نرفتن است. برای همین است که اربعین مورد توجه دیگران هم واقع شده و دیگران نیز به شکوه اربعین دارند این گونه نگاه می‌کنند. حاضر شدن در چنین فضایی با شعارهای انقلابی و شعار یا حسین و ... حقیقتاً هشداری

برای جهانیان است. همان طور که آقای دوگین می‌گوید دوران لیبرالیسم سر آمده است و وقت آن رسیده که مردم رویکرد دیگری را انتخاب کنند. دوگین این حرکت را یک حرکت آخرالزمانی به سوی یک نهضت جهانی برای صلح و آزادی و حق و عدالت نام می‌دهد. درباره این حرکت بزرگ خیلی سخن می‌توان گفت. من این قسمت از سخن یک انسان خارجی را برای شما نقل کردم چون این حرف دوگین در رسانه‌ها منعکس شد و گم شد. اما من آن را یادداشت کردم، چون این حرف‌ها اهمیت دارد. تنها این جمله نبود، بلکه آزاداندیشان در کشورهای دیگر حرف‌های جالبی دارند. برای مثال جان شاک، کشیش آمریکایی هم در سال ۱۳۹۷ در مراسم اربعین شرکت کرده بود. این نشان می‌دهد که حتی غیرمسلمانان این قدر از اربعین متأثر هستند که شکوه دین و معنویت و عدالت و آزادی را در اربعین مشاهده می‌کنند. اربعین باید حرکتی برای وحدت امت اسلامی باشد. حرکتی برای قیام علیه ظلم و همزیستی مسالمت آمیز باشد. مجاهدت هماهنگ یک امت در فضای مسالمت آمیز باشد. این همدلی، همیاری، خدمت کردن به مردم و خدمات و پذیرایی که از مهمان‌ها می‌کنند در کجای دنیا وجود دارد؟ آیا نباید این حرکت نماد و درآمدی بر تمدن نوین اسلامی باشد؟ تمدنی که در آن بی‌عدالتی و ظلم و فساد نباشد. رسانه‌های غربی نمی‌خواهند این حقیقت را ببینند، چون برای آن‌ها قابل تحمل نیست که ببینند امت اسلامی اعم از سنی، شیعه و حتی غیر مسلمانان و مسیحیان از کشورهای غربی و اروپایی و کشورهای شرقی و چهار گوشه جهان به این نقطه می‌آیند. برای آن‌ها خیلی سخت است و می‌خواهند آن را سانسور کنند. آن‌ها کوچک‌ترین حرکت‌ها را بزرگ می‌کنند، اما چون این حرکت به نفع آن‌ها نیست آن را سانسور می‌کنند. ولی به هر حال باز هم انعکاس پیدا می‌کند که دو نمونه از آن را بیان کردم. این نشان می‌دهد که چقدر تحت تأثیر قرار گرفته است. این‌ها همه نشان می‌دهد که افکار عمومی در دنیا با ماست. رسانه‌ها البته طور دیگری عمل می‌کنند. ما هم از رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی و ضد اسلامی انتظاری جز این نداریم. ما باید خودمان بکوشیم و در این رابطه فعالیت کنیم. به عنوان مثال سفارتخانه‌های ما و نماینده‌های فرهنگی ما در کشورهای دیگر می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند. ما در همه کشورها الا یکی دو کشور نماینده‌های فرهنگی داریم. این‌ها می‌توانند برای نشان دادن این فرهنگ و توسعه این فرهنگ به هر نحوی و تا حد ممکن تلاش کنند تا این حقیقت را بیشتر به گوش دنیا برسانند. امروز ما نیز رسانه‌های مختلف به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و ... داریم که آن‌ها نیز می‌توانند در این زمینه کار کنند. علاوه بر این نمایندگان فرهنگی و مشاوران فرهنگی ما در خارج از کشور نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند. آن‌چه از ما برمی‌آید انجام می‌دهیم، اما موج حرکت عظیم اربعین همه را با خود می‌برد. چه رسانه‌ها بخواهند و چه نخواهند. آفتاب می‌آید، کسانی که کور هستند و نمی‌توانند آفتاب را ببینند چشم خود را ببندند. آفتاب اربعین می‌تابد هرچند خفایش چشم خود را ببندند، اما چشم‌های بینایی هستند که این حرکت عظیم تاریخی را ببینند. بنابراین حقیقت گم نمی‌شود. در خود ماجرای عاشورا شما نگاه کنید این‌ها کشتند و شعار دادند و به اسارت گرفتند و رفتند، اما یزیدیان در نهایت نتوانستند کاری از پیش ببرند؟ هر چه زمان جلوتر رفت عاشورا گسترده‌تر شد. امروز هم یزیدیان زمان یعنی برخی از آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها و برخی از وابستگان و نوکران شان در این عرصه‌ها حرکت‌هایی انجام می‌دهند، اما دلیل بر این نمی‌شود که این آفتاب اربعین کره زمین را تحت پوشش خود قرار ندهد. همه دنیا امروز چشم‌شان به این سو است. چند میلیارد انسان امروز در دنیا به اربعین چشم دوخته‌اند. به هر حال رسانه‌های ما، سفارتخانه‌های ما، مشاورین فرهنگی ما و مخصوصاً رسانه ملی باید در این زمینه کار کنند. رسانه ملی با شبکه‌های خارجی‌اش می‌تواند خیلی در این زمینه موثر باشد. مردم ما و مسئولین ما به روح اربعین آگاهی دارند. روح مسالمت با سایر مسلمانان و خدمت‌گذاری به همه را می‌دانند. سعی کنیم سیره اهل بیت را در عمل مان‌نشان دهیم. رفتارها تاکنون منطقی بوده و هست و تاکنون چیزی خلاف این نشنیده ایم.

الحمد لله رفتارها خوب بوده و در آینده هم بهتر خواهد بود. کمک رسانی به یکدیگر مخصوصاً کمک به ضعفا، پیرمردان، پیرزنان و از کار افتادگان نکاتی است که جوان ترها باید از خود نشان دهند و خدمت رسانی به زائرین اباعبدالله الحسین (ع) را فراموش نکنند.



هویت اربعین حسینی در منظومه فکری شهید آیت الله خامنه ای (ره)

اربعین حسینی، یکی از مهم‌ترین مناسک اسلامی است که در چهلمین روز پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا برگزار می‌شود. در این روز، میلیون‌ها زائر از سراسر جهان به کربلا مشرف می‌شوند و با پیاده روی و عزاداری، یاد و مقام امام حسین (علیه السلام) را گرامی می‌دارند. اربعین حسینی، نه تنها یک آیین دینی است، بلکه یک پدیده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز به شمار می‌آید که نشان دهنده عشق، همدلی، مقاومت و انقلاب برای دفاع از حق و عدالت است. پیاده روی اربعین، تجلی ارادت جمع کثیری از مردمان به یک هویت مشترک و جهانی را فراهم کرده است. حضور هزاران انسان عاشق با قومیت‌های متفاوت در این مراسم باشکوه، فرایندی برای پیدایی هویت اسلامی است که در سطحی فراتر از هویت ملی جریان دارد. پیاده روی اربعین و هویت یابی فراملی، گفتمان عاشورا را در سطح ملت‌ها فارغ از تفاوت‌های موجود بین آنها مطرح می‌کند و موجب می‌شود افراد نسبت به آموزه‌های این گفتمان تعلق خاطر پیدا کنند. فرامرزی گفتمان عاشورا، مهمترین برآیند هویت فراملی در قالب پیاده روی اربعین است که نتایج و پیامدهای متعددی را در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی به دنبال دارد. یکی از ابعاد مهم پیاده روی اربعین، اعلام موجودیت هویت فرابومی و فراملی در یک گستره وسیع است. در پیاده روی اربعین، نه تنها خرده هویت‌ها نفی نمی‌شوند، بلکه با حفظ موجودیت خود، با یک هویت کلان پیوند می‌خورند. اصولاً یکی از کارکردهای هویت در هر سطحی، نقش آفرینی جمعی است. یکی از کارکردهای مهم هویت فراملی، که در بستر رخداد پیاده روی اربعین شکل می‌گیرد، نقش آفرینی جمعی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی است (نک. نامدار و ندایی، کد خبر: ۵۵۸۰۶۷۰). مقام معظم رهبری فرمود: هر ملتی، در سایه استقامت و ایستادگی، هویت پیدا می‌کند. آن چیزی که به ملت‌ها هویت می‌دهد، شخصیت می‌دهد،

عظمت می‌دهد، استقامت آنها و ایستادگی آنها است. استقامت یعنی چه؟ یعنی آن خط مستقیمی را که انسان پیدا کرده، ادامه بدهد؛ نگذارد زاویه پیدا بشود (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶)

هدایت فرهنگی، تقویت احساس هویت ملی و انقلابی، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، و افزایش همبستگی ملی، در شمار اولویت‌هایی است که باید با ارتقاء سرمایه انسانی و رشد کیفی برنامه‌ها و بهره‌گیری از ابتکار و با تلاش شبانه‌روزی به آن دست یابید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۷/۷). «جوان را با هویت بار بیاورید. اگر جامعه ای احساس هویت نکرد، صداها بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن کسی که احساس هویت می‌کند، ایستادگی خواهد کرد (حالا این هویت، گاهی هویت ملی، هویت دینی و گاهی هویت انسانی است). خوشبختانه امروز جامعه‌ی اسلامی ایرانی ما یک هویت ریشه‌دار و تاریخی و قوی و قابل استقامتی دارد که این را نشان هم داده است» (همان، ۱۳۹۷/۳/۲۰). از این رو، دشمن درصدد جاننشینی هویت‌های ساختگی و دروغین به جای هویت اصیل اسلامی است. در ذیل به بخشی از فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد هویت اربعین حسینی اشاره می‌شود:

۱. اربعین حسینی، خیزش عمومی در برابر استبداد

اربعین در حادثه کربلا یک شروع بود؛ خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرئت پیدا نمی‌کنند که حقایق را که فهمیده‌اند، در عمل خودشان نشان بدهند... چه کسی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده‌ای در گلوئی مؤمنین باقی بود تا اینکه اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۱/۱۱). راه پیمایی عظیم اربعین یک پدیده الهی و معنوی است. حقیقتاً قابل توصیف نیست. مثل خیلی از پدیده‌های مهم الهی، درست قابل تفسیر هم نیست؛ یعنی نمی‌شود این حادثه را تحلیل کرد. این طور که جمعیت عظیم میلیونی راه بیفتند و در ظرف چند سال شکل پیدا کند! بله، در گذشته راه پیمایی بود، اما این خبرها نبود. ما اطلاع داریم که در ایام مختلف، چه اربعین، چه غیر اربعین در خصوص اربعین یا بعضی اوقات دیگر طلب از نجف و جاهای مختلف عراق حرکت می‌کردند، جمعیت‌های فراوانی هم بودند. این جمعیت عظیم میلیونی از مکان‌های مختلف دنیا - چند میلیون از ایران و میلیون‌ها نفر از خود عراق و از کشورهای دیگر - با وجود تهدیدهای تروریستی ای که همیشه وجود داشته و امروزه نیز وجود دارد، یک پدیده فوق‌العاده عظیم و نشان‌دهنده اوج گرفتن تفکر مبارزه در راه خدا و اسلام و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است. امیدواریم که خداوند متعال به این حرکت‌ها و به مردم برکت بدهد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۸/۲۲). نه راهپیمایی بیست و دوم بهمن مربوط به یک سلیقه سیاسی است و نه جلسات محرم و ماه رمضان و اعتکاف و راه پیمایی اربعین مربوط به یک سلیقه سیاسی است، [بلکه] مربوط به همه ملت ایران و همه سلاقی گوناگون کشور است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱)

۲. اربعین حسینی، درخشش دست خدا

معمولاً در پدیده‌ای [مانند پیاده روی اربعین] که تبلیغاتی برای آن انجام نگرفته، اما ناگهان یک پدیده‌ای در محیط دید انسان بروز میکند، دست خدایی مشهودتر از همه جای دیگر است... اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده روی هشتاد کیلومتری به کربلا می‌روند؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه الهی است. این نشان‌دهنده این است که این راه، راه عشق همراه بصیرت است. مثل

عشق اولیا به خدا «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳).

۳. هویت تاریخی اربعین حسینی

در روز اربعین بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب، اولین زائران اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند. جابر بن عبدالله انصاری و عطیه بن سعد عوفی که او هم از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، از جمله کسانی بودند که آن روز آمدند... «عطیه» می گوید: وقتی به آن جا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، اما این پیرمرد گفت اول دم شطّ فرات برویم و غسل کنیم. در شطّ فرات غسل کرد، سپس قطیفه ای به کمر پیچید و قطیفه ای هم بر دوش لنداخت؛ مثل کسی که می خواهد خله خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین (علیه السلام) رفت. ظاهراً او نابینا هم بوده است. می گوید با هم رفتیم، تا نزدیک قبر امام حسین (علیه السلام) رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد. این پیرمرد که لابد حسین بن علی (علیه السلام) را بارها در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دیده بود، با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴).

۴. ایمان و عشق در اربعین حسینی

پدیده بی نظیر و بی سابقه ای که در این سال های اخیر به وجود آمده؛ پیاده روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است. بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می آفتند و حرکت می کنند. این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور به این حرکت نگاه می کنیم و غبطه می خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند: گرچه دوریم به یاد تو سخن می گوئیم... بعد منزل نبوّ در سفر روحانی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۹/۰۹). «کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه و مؤمنانه را انجام می دهند، واقعاً دارند حسنه ای را انجام می دهند. این یک شعار بزرگ است، لا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ، این بلاشک جزو شعائر الله است. این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک کننده است؛ هم عشق و محبت، تفکر شیعی همین جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۹/۰۹). «شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه به کربلا می کشاند. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱).

۵. راهپیمایی اربعین، مدیون شهدای مدافع حرم

حرکت شهدای مدافع حرم که در این برهه، در خارج از کشور به شهادت رسیدند، در واقع شبیه حرکت آن کسانی است که با جان خودشان توانستند قبر حضرت اباعبدالله (علیه السلام) را حفظ کنند. روزی خلفای بنی عباس همت گماشته بودند که قبر مطهر حضرت اباعبدالله (علیه السلام) و لابد به تبع آن بقیه قبور مطهره را از بین ببرند؛ عده ای با جان خودشان نگذاشتند. گفتند اگر بیایید، دستتان را قطع می کنیم، پایتان را قطع می کنیم، شما را به قتل می رسانیم؛ درعین حال رفتند. همان رفتن ها بود که حالا به بیست میلیون زائر پیاده اربعین رسیده است. اگر آنجا کسانی فداکاری نمی کردند، امروز شوکت و هیمنه محبت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) این جور دنیا را فرا نمی

گرفت که شما می‌بینید در راه پیمایی اربعین، از کشورهای مختلف، از فارس و ترک و کشورهای اروپایی و حتی از آمریکا افرادی به آنجا می‌آیند. این را چه کسی کرد؟ خشت اول و اصلی این کار را همان کسانی گذاشتند که در واقع جانشان را برای زیارت قبر اباعبدالله (علیه السلام) فدا کردند (حسینی خامنه‌ای، ۲۲/ ۱۲/ ۱۳۹۷).

۶. جهانی شدن اربعین حسینی

اربعین جهانی شد و جهانی تر هم خواهد شد. این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال می‌جوشد و روزه روز تازه تر و زنده تر می‌شود. این همان پیام عاشورا است که از حلقوم اباعبدالله و زینب کبری علیها السلام در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است. حسین (علیه السلام) متعلق به انسانیت است؛ ما شیعیان افتخار می‌کنیم که پیرو امام حسین (علیه السلام) هستیم، اما امام حسین (علیه السلام) فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام حسین (علیه السلام) هستند. در این راه پیمایی عظیم حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند، شرکت می‌کنند. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی کار می‌کنند، خداوند متعال ناگهان حادثه راه پیمایی اربعین را این جور عظمت و جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه اراده الهی بر نصرت امت اسلامی است، این نشان می‌دهد که اراده خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است (حسینی خامنه‌ای، ۲۷/ ۰۶/ ۱۳۹۸).



کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی

اجتماع میلیونی در اربعین حسینی به عنوان یکی از آیین‌های دینی که به صورت جمعی و توأم با احساس و دارای هدف برگزار می‌شود، نقش‌ها، ظرفیت‌ها، مؤلفه‌ها و کارکردهای مختلفی دارد و آن را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. یکی از این زوایا، بحث نقش‌ها و کارکردهای سیاسی و اجتماعی اربعین است. اقتدارآفرینی، وحدت و انسجام بخشی از کارکردهای سیاسی، و هویت بخشی و تقویت روح جمعی از مؤلفه‌ها و کارکردهای اجتماعی است. در این مقاله که در پاسخ به پرسش «کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین کدام‌اند؟» سامان یافته است، به تفکیک در این سه محور از منظر اندیشوران معاصر ایرانی بیان خواهد شد. شناخت این کارکردها، آشنایی با ظرفیت عظیم اربعین را، به عنوان حرکتی الهی، در پی خواهد داشت و به بهره‌گیری مطلوب از آن منجر خواهد شد.

مقدمه

آیین‌های حسینی در طول تاریخ نقش بسزایی در حیات شیعه داشته‌اند؛ چنان‌که اربعین را می‌توان از عوامل گسترش تشیع دانست؛ زیرا در طول تاریخ شیعه، حرم‌های شریف امامان معصوم، مراکز علم، تبلیغ و ترویج دین، مبدأ قیام‌ها و نهضت‌ها، محل پیمان بستن و هم‌قسم شدن برای انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی و... بوده است. آیین بزرگداشت اربعین در حال حاضر، صفوف شیعیان را درهم تنیده‌تر می‌کند و موجب اقتدار آنان می‌گردد. از این رو شناخت اربعین و پژوهش و ژرف‌اندیشی درباره کارکردهای آن اهمیت بسیاری دارد. حضور شیعیان از سراسر جهان در مراسم اربعین، یکی از کم‌نظیرترین اجتماعات مذهبی جهان را به وجود می‌آورد و موجب می‌شود تا اقتدار وصف‌ناشدنی مبتنی بر قدرت نرم شیعیان به نمایش گذاشته شود؛ به ویژه اینکه این مراسم در اوج تهدیدات امنیتی

گروه‌های سلفی تکفیری چون داعش برگزار می‌شود. ولی این تهدید نه تنها مانع حضور شیعیان در عراق نشده است، بلکه اشتیاق آنان را برای زیارت اربعین، دوچندان کرده است. اما باید توجه داشت که نباید تفکرات و ایده‌هایی را وارد این منسک کنیم که این مسیر را تغییر دهد و آن را از کارکردهای اصلی اش تهی سازد. هم‌افزایی در راستای این پدیده الهی و تاریخی ضروری است و اگر آثار اربعین را به درستی احصا کنیم، می‌بینیم که این حادثه چه نقشی در تاریخ اسلام و تشیع داشته است. با توجه به کارکردهای مهم مراسم میلیونی اربعین حسینی، در این مقاله به تفکیک به انواع این کارکردها از زبان برخی محققان معاصر ایرانی پرداخته می‌شود.

-کارکردهای سیاسی اربعین

الف (اقتدارآفرینی در سایه وحدت: راهپیمایی اربعین موجب اقتدار شیعیان و دیگر مسلمانان در برابر دشمنان به ویژه جریان‌های تکفیری خصوصاً داعش می‌شود. بی‌تردید مهم‌ترین کارکرد سیاسی اربعین حسینی در مقطع کنونی و با توجه به گسترش گروه‌های سلفی تکفیری در کشورهای منطقه، بسیج سیاسی شیعیان است که راهپیمایی بیست میلیون نفری اربعین را به مصداق قدرت بسیج جهان اسلام تبدیل کرده است؛ به بیان دیگر اربعین حسینی تبیین هویت جمعی شیعه و کاربرد مناسک مذهبی به عنوان منابع قدرت و فعال شدن آن از نظر سیاسی است. مهم‌ترین پیام سیاسی بزرگ‌ترین تجمع دینی جهان، وحدت امت اسلامی در سایه محبت و ارادت به خاندان مطهر اهل بیت: است؛ چراکه تمام مذاهب اسلامی به محبت اهل بیت: اعتقاد دارند و همین می‌تواند محور وحدت اسلامی باشد. توجه به شعارهای مردمی نشان می‌دهد که آزادی، عزت طلبی و ذلت‌گریزی با ماهیت راهپیمایی اربعین پیوند خورده است. لذا این گردهمایی عظیم که به واقع «رستاخیز حسینی» است، رسالت ملی و مذهبی مبتنی بر حفظ سرزمین از اشغال بیگانه و گروه‌های سلفی تکفیری را گوشزد می‌کند. حضور مردمی در اربعین نشان می‌دهد که مکتب حسینی، قابلیت و قدرت بسیاری برای بسیج کردن مردم دارد. نتیجه آنکه مراسم اربعین، افزایش قدرت نرم تشیع، امنیت‌سازی و ارتقای وحدت ملی در عراق را در پی داشته است. از این رو گروه‌های سلفی تکفیری در برابر این رویداد پراهمیت موضع گرفته و به آن واکنش نشان داده‌اند. راهپیمایی اربعین به عنوان یکی از مناسک دینی به بسیج سیاسی اجتماعی منجر می‌شود؛ بسیجی که ابعاد آن اساساً جهان‌شمول و فرامذهبی است. بدین ترتیب مهم‌ترین نتیجه آن ارائه تصویری حقیقی از شیعه در سپهر عمومی جهان اسلام و همچنین تمام عرصه جهانی است.

ب (نمایش امنیت عراق: برگزاری راهپیمایی صلح آمیز اربعین، نمایش امنیت عراق و ضربه نمادین همزمان به گروه تروریستی داعش و ایالات متحده آمریکا است که یکی در پی ناامن‌سازی عراق است و دیگری ایجاد امنیت در عراق را بدون حضور خود ناممکن می‌داند. این قدرت نرم شیعیان است که بدون فرقه‌گرایی، با حضور مسالمت‌آمیز خود در مراسم عاشورا و اربعین، بر وحدت و همبستگی ملی در عراق صحنه می‌گذارند. در واقع همان‌طور که پیام عاشورا و اربعین ماهیتی فرامذهبی و جهان‌شمول دارد، پیام‌های سیاسی راهپیمایی اربعین نیز قالب‌های فرقه‌گرایانه را شکسته و پیام آور صلح، همبستگی و همکاری است.

ج (وحدت بخشی به جهان اسلام: عبادات و فرائض، افزون بر جنبه فردی و تأثیری که در دگرگونی روحی، فکری، اخلاقی و رفتاری افراد بر جای می‌نهند، به نوعی با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط‌اند. اربعین در این میان از جمله مناسک و آیین‌های اجتماعی است که به رغم ماهیت درون‌مذهبی اش، به دلیل فرادینی و فراملیتی بودن قیام عاشورا، ظرفیت‌های بسیاری را برای زمینه‌سازی تحقق امت واحد اسلامی دارد.

پیاده روی و برگزاری آیین اربعین صرفاً حرکتی شیعی و ایرانی نیست؛ بلکه نقطه عطف وحدت میان همه مسلمانان و ایجاد وفاق در جهان اسلام است. اربعین با توجه به کارکردهایی که دارد و وفاقی که در جهان اسلام ایجاد می کند،

در راستای بینش تمدنی امام خمینی= است؛ چنان که ایشان فرمودند: «راه قدس از کربلا می گذرد» و این وحدت و همدلی، اقدامی در مقابل تمدن غرب و در راستای رسیدن به آرمان های اسلامی است.

نتیجه اینکه هم گرایی اسلامی از دیگر کارکردهای آیین های عاشورایی است که در ادبیات حسینی، اصلاح امت نبوی نام گرفته است. هم سویی این آیین ها با غرض امام حسین علیه السلام که حفظ جامعه اسلامی بود، نمی تواند از نظرها دور نگه داشته شود؛ چنان که امام حسن علیه السلام با همین رویکرد به تدبیر امور سیاسی اجتماعی پرداخت.

گفتنی است که از محورهای اصلی فعالیت های رسانه ای و تبلیغاتی شبکه بین المللی نظام سلطه، تلاش برای شیعی جلوه دادن این حرکت، و محدود کردن آن در آرمان یک جمعیت مذهبی محدود است. اما حجم راهپیمایی اربعین و آثار جهانی آن انکارناشدنی است. حرکت عظیم اربعین به مثابه مانور بزرگ اقتدار مکتب تشیع و دین اسلام است که می تواند قدرت و عظمت مسلمانان را به رخ جهانیان بکشد و باعث اتحاد آنان شود.

د (تقویت مناسبات میان ایران و عراق: مراسم شکوهمند اربعین می تواند به ترمیم برخی شکاف های ارتباطی مثل کدورت های ناشی از جنگ میان زائران ایرانی و عراقی و بهبود بیشتر روابط سیاسی این دو کشور مسلمان کمک شایانی داشته باشد. بی تردید تقویت و توسعه مناسبات دو کشور آثار و برکات بسیاری را در پی خواهد داشت و نقش شیعیان در تحولات منطقه ای و بین المللی را بارزتر خواهد کرد.

ه (پاسدداشت یاد و خاطره امام حسین علیه السلام: از مهم ترین کارکردهای آیین اربعین، زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و یاران باوفای اوست که در پرتو شناخت فلسفه قیام و شهادت آنان قابل اکتساب است. این آیین ها تلاشی برای زنده نگه داشتن هدف امام است و طبعاً بیشترین دغدغه شرکت کنندگان و کارگزاران باید یادکرد این مطلب باشد که قیام امام برای چه بود و چرا جان خویش را فدا کرد. اما از دیگر سو، اربعین مبدأ حرکت جوشنده و تمام ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی نیز هست. از اربعین به این سوست که تمام همت و تلاش اهل بیت: و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و ورود در مبارزه ای فرهنگی علیه نظام ستمکار اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام های ستمگر در طول تاریخ است.

اربعین مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت:، کامل شدن رسالت حضرت زینب (س) و امام سجاد علیه السلام در رسوا ساختن یزیدیان و رساندن پیام سرخ امام حسین علیه السلام به گمراهان کوفی و شامی است. اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر، و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون های پاک امام حسین علیه السلام و یاران قهرمانش، بهترین پشتوانه و سرمایه برای این مبارزه تمام ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

و (تقویت هویت شیعی: پاسداشت اربعین در میان شیعیان اهل بیت: یکی از برجسته ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پر قدرتی را در عرصه های سیاسی، فرهنگی و نظامی به نمایش می گذارد. اربعین، آموزنده این تفکر الهی است که

اگر چه باطل مانند کفی روی آب ممکن است کوتاه زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق طلبان خواهد بود.

دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت خواهانه امام حسین علیه السلام به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل بیت: را با احترام به سوی مدینه روانه ساخت. از این زمان به بعد شاهد قیام ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ کرد و آرام آرام زمینه نابودی آن را فراهم ساخت. قیام توابعین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی عبید ثقفی در امتداد همین خط پدید آمد و لرزه بر اندام حکومت جبار اموی انداخت. شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین علیه السلام و یارانش را فریاد می زند. اگر چه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می گرید و از جنایت هایی که بر اهل بیت رفته است مویه می کند، اما در اربعین، نتیجه شهادت طلبی و جان بازی امام و اهل بیتش را به نظاره می نشیند. اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشوراست و آنچه امام حسین علیه السلام در عاشورا آغاز کرد، در اربعین به بار می نشیند.

ز (بازخوانی حادثه خونین عاشورا: اربعین اولین نقطه بعد از عاشوراست و به انسان فرصت می دهد تا حادثه عاشورا را بازخوانی کند. واقعه کربلا به قدری عظیم است که آن را در روز عاشورا نمی توان بررسی کرد. بنابراین برای بازخوانی به ایام دیگری نیاز دارد و مهم ترین این ایام، روز اربعین است. پس اربعین نقش یادمانی دارد و در آن فرصت بازخوانی عاشورا به ما داده می شود؛ عاشورا یک شور است و همه ما باید در این روز غرق شویم و اشک ریزان این روز را تجلیل کنیم. در اربعین به بازخوانی و ارتباط مجدد با امام و هدف اصالحی هم چنین مبارزه با ظلم از سوی ایشان بپردازیم. ائمه نیز به ما امر کرده اند که در روز عاشورا عاشورایی باشیم و تفکر و تجدید بیعت با امام را در اربعین متجلی کنیم.

ح (جریان ساز بودن اربعین: اربعین حسینی جرقه های عاشورایی را شعله ور، و آن را به یک جریان تبدیل می کند و دعوت به زیارت اربعین و پیاده رفتن در این مسیر، دعوت به همین جریان سازی است. آذرخش عاشورا در اربعین به آتشی شعله ور تبدیل می شود و قطره های باران آن، رودخانه اربعین را به وجود می آورد؛ رودخانه ای که می تواند حرکت ایجاد کند و تغییر به وجود آورد. انسان هایی که در عاشورا احساس عاشورایی پیدا کردند، امروز باید احساساتشان را به یکدیگر ضمیمه کنند و بفهمند که تعداد عاشوراییان و احساس ها و نگاه های عاشورایی چقدر زیاد است و این انسان ها چقدر هم دل، هم رأی و هم هدف اند؛ یعنی کسی که در مکتب عاشورا تربیت شده است، حالا باید دستاوردهای معرفتی، معنوی، روحی و اخلاقی اش را به مشارکت بگذارد. بنابراین نقش جریان سازی اربعین مهم است.

ط (ظرفیت سازی: از مهم ترین آثار و کارکردهای اربعین، ظرفیت سازی است. وقتی بتوانیم فرهنگ عاشورایی را شکل دهیم، ظرفیت سازی رخ می دهد؛ چراکه انسان عاشورایی از خود خواهد پرسید حال چه باید کرد تا عاشورا امتداد یابد، ایجاد این ظرفیت، برعهده اربعین است. اما متأسفانه از اشکالات اربعین این است که نقطه مرکزی در آن وجود ندارد؛ زیرا این حرکت عظیم باید نقطه توقفی داشته باشد تا همه زائران را در مسیر اصلی قرار دهد؛ چراکه اربعین باید جریان های مختلف را در یک قالب جمع کند و آنها در یک جریان بزرگ تر قرار دهد.

ی (نمادسازی: انسان هیچ گاه از عاشورا و گریه بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام خسته نمی شود و با اینکه قرن هاست که عاشورا تکرار می شود، هرگز کسی از آن احساس تکرار نمی کند؛ زیرا عاشورا زمان و زمین و قوم و طایفه نمی شناسد. فقط کافی است که شما عاشورا را معرفی کنید؛ درون مایه عاشورا به گونه ای است که می تواند با محیط

ها و اوضاع مختلف تطبیق یابد؛ چراکه عاشورا حادثه‌ای بزرگ است که هیچ خط مذهبی و طایفه‌ای در آن وجود ندارد. عاشورا دارای مضمونی بزرگ، بلند و مشترک است که قدرت بازنمایی و نمادسازی‌های متنوع در آن وجود دارد.

اکنون سؤال این است که اگر این هسته را بگیریم و آن را توسعه دهیم، آیا اربعین فرصت بزرگی است برای اینکه عاشورا و عاشوراییان یک بار به زبان‌ها و کارکردهای گوناگون و برای محیط‌ها و نقش‌های مختلف، الگوسازی کند. البته ما می‌توانیم در این‌جا، صرف نظر از فرهنگ‌های دیگر، عاشورا را بازنمایی و نمادسازی کنیم، اما این نماد نماد ایرانی عاشورا خواهد بود؛ درحالی‌که اربعین فرصتی فراهم می‌کند تا این درون‌مایه با حضور همه کسانی که می‌توانند

در این الگوسازی نقش داشته باشند و تعامل کنند، حرکتی ایجاد کند و از درون این تعامل، همه افراد و گروه‌ها برای وضعیت موجود و آینده خودشان، مدل‌سازی و الگوسازی کنند.

از دیگر کارکردهای سیاسی اربعین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت؛

گسترش امید و امیدواری در اوضاع سخت و طاقت فرسای بحرانی در میان شیعیان؛

زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلاوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن؛

ترویج روحیه حق طلبی و عدالت خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم‌ترین آرمان شیعه (این کارکرد را از خلال مضمون زیارتنامه‌ها به روشنی می‌توان دریافت)؛

احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم‌هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنان در طول تاریخ رفته است؛

توجه به جامعه و حکومت آرمانی که امام زمان / پس از ظهور خود تشکیل خواهد داد؛

تقویت خودآگاهی دینی و احساس زندگی در قامت یک امت؛ زمینه‌سازی برای تحقق کنش‌های متعهدانه در راستای تأمین اهداف جهانی اسلام؛

نمایش طیفی از مشترکات اعتقادی، ارزشی و آرمانی؛ نمایش قدرت عظیم و فروخته‌توده‌های انسانی مؤمن.



مقاله ایندی پندنت درباره زیارت اربعین حسینی (علیه السلام)

”بزرگترین حرکت زلترانه‌ی جهان در جریان است، اما شما هرگز چیزی از آن نشنیده‌اید!“ به زیارت اربعین حسینی و پیاده روی ملیونها زائر به سوی کربلای معلی پرداخته است. در این مقاله به شرح و چرایی این پیاده روی عظیم پرداخته شده است و گوشه‌هایی از این شور حسینی در این مقاله به اطلاع مردم رسانده شده است. مراسم اربعین در این مقاله یک مراسم منحصر به فرد در مقایسه با تجمع‌های مختلف در سراسر دنیا معرفی شده است و جمعیت زائران را پنج برابر زائران حج میخواند. در ادامه این مقاله به ویژگی‌های خاص زیارت اربعین حسینی از جمله برگزاری آن در موقعیت‌های خطرناک و تهدیدات مختلف، شرکت کردن سایر ادیان و مذاهب در آن و همچنین نحوه میزبانی بی‌مانندی از شرکت‌کننده‌گان در این مراسم پرداخته شده است. متن ترجمه مقاله ایندی پندنت:

بزرگ‌ترین حرکت زائرانه‌ی جهان در جریان است اما چرا شما هرگز چیزی از آن نشنیده‌اید!

این حرکت حج یا کومبه‌میلای هندوها نیست. این حرکت با عنوان «اربعین» مشهور بوده و پرجمعیت‌ترین اجتماع جهان است و احتمالاً هیچ وقت چیزی درباره‌اش نشنیده‌اید. نه تنها تعداد این افراد از زائران مکه بیش‌تر است (درواقع ۵ برابر آن است)، بلکه از کومبه‌میلای نیز مهم‌تر است؛ زیرا کومبه‌میلای تنها هر سه سال یک‌بار برگزار می‌شود. جمعیت مراسم اربعین پارسال به ۲۰ میلیون نفر رسید و خلاصه، هر اجتماع بشری دیگری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

از همه مهم‌تر، مراسم اربعین یک مراسم منحصر به فرد است؛ زیرا در موقعیتی برگزار می‌شود که به لحاظ ژئوپلیتیکی متشنج و خطرناک است. داعش، شیعه را دشمن خونی خود می‌پندارد. از این رو، هیچ چیز بیش‌تر از این گروه‌های ترور را به خشم نمی‌آورد که ببینند زائران شیعه به خاطر بزرگ‌ترین تجلی ایمان‌شان گرد هم می‌آیند.

مراسم اربعین یک ویژگی خاص دیگر هم دارد. هرچند اربعین مشخصاً یک مراسم شیعی است، سنی‌ها و حتی مسیحیان، ایزدی‌ها، زرتشتی‌ها و... نیز هم به‌عنوان زائر و هم به‌عنوان خادم زائران در این مراسم شرکت می‌کنند. اگر به ماهیت انحصاری آیین‌های دینی توجه کنیم، خواهیم دید که این اتفاق چه‌قدر مهم است و این تنها یک معنا خواهد داشت: مردم — فارغ از رنگ و نژاد — حسین بن علی را نماد فراگیر، بی‌حدومرز و فرامذهبی از آزادی و ایثار می‌دانند.

اما چرا شما هیچ‌گاه درباره این مراسم چیزی ننشیده‌اید؟ احتمالاً به این قضیه مربوط است که رسانه‌ها عموماً و خصوصاً وقتی با اسلام مواجه می‌شوند، بیش‌تر با تصویری منفی، سیاه و افراطی سرو کار دارند تا روایتی مثبت و امیدبخش. اگر چند هزار معترض ضد مهاجرت در خیابان‌های لندن جمع شوند، در سرخط‌های خبری جای خواهند داشت. به راه‌پیمایی دموکراسی خواهانه در هنگ کنگ یا تجمع ضد پوتین در روسیه نیز به همین میزان توجه خواهد

شد. اما یک تجمع بیست میلیونی در یک محیط متشنج سرشار از ترور و ناعدالتی حتی در بخش‌های خبری تلویزیونی جایی ندارد. این حرکت باشکوه به‌طور ناخوشانه مسکوت گذاشته می‌شود؛ حتی اگر تمام مؤلفه‌های یک پدیده‌ی چشم‌گیر را داشته باشد؛ مؤلفه‌هایی مانند جمعیت چشم‌گیر، اهمیت سیاسی، پیام انقلابی، محیط متشنج و اصالت. اما اگر این خبر از زیر دست سردبیران بخش‌های خبری در برود، شگفتی می‌آفریند و افرادی زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در میان افراد بی‌شماری که تحت تأثیر این مراسم خاص بودند، جوانی استرالیایی بود که چندین سال پیش با او ملاقات داشتم و به‌تازگی اسلام آورده بود. واضح است که کسی به‌راحتی دینش را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، وقتی از او جویا شدم، گفت که همه چیز از سال ۲۰۰۳ شروع شد. یک شب، همان‌طور که صحنه‌ای از حرکت میلیون‌ها نفر به سمت شهر کربلا را در خبرها مشاهده می‌کرد، با اسم فردی مواجه شد که هیچ‌گاه آن را ننشیده بود: «حسین». برای اولین بار در دهه‌های گذشته و در یک رخدادی که در سرتاسر جهان به تصویر کشیده می‌شد، جهان توانسته بود شمه‌ای از حرکتی را ببیند که پیش‌تر در عراق ممنوع شده بود.

وقتی که رژیم بعثی و سنی در عراق سقوط کرد، بینندگان غربی مشتاق بودند که ببینند عراقی‌هایی که هم‌اکنون از دست کنترل دیکتاتور خلاص شده‌اند، چه عکس‌العملی خواهند داشت. «جمهوری وحشت» سقوط کرده بود. آن جوان استرالیایی می‌گفت که دائم از خودش می‌پرسید که کربلا کجاست و چرا همه رو به سوی آن دارند؟ حسین کیست که چنین شوری به پا کرده که مردمان بعد از چهارده قرن برای عزای او می‌آیند؟

آن‌چه او در یک گزارش شصت‌ثانیه‌ای دیده بود تکان‌دهنده بود؛ زیرا این تصویر بر خلاف آن چیزی بود که قبلاً دیده بود. پیوند قوی‌ای باعث شده بود که مردمان مانند براده‌هایی باشند که هرچه به مغناطیس لامَفرّ حسینی نزدیک می‌شوند تجمع‌شان بیش‌تر شود. آن جوان استرالیایی گفت: اگ

ر می‌خواهید یک دین حی و حیات‌بخش را ببینید، به کربلا بیایید.

چهارم مردی که ۱۳۹۶ سال پیش کشته شده است این چنین حی و حاضر است که میلیون ها نفر مصیبت او را مصیبت خود می‌دانند؟ بعید است که آدم‌ها وارد نزاعی شوند که دغدغه‌ی شخصی‌ای نسبت به آن نداشته باشند. از سوی دیگر، اگر احساس کنید که کسی به خاطر آزادی شما، حق برخورد عادلانه با شما و حق زندگی با شرافت شما جنگیده است، احساس می‌کنید که علاقه‌ی زیادی به او دارید و دل‌بسته‌ی او هستید تا آن جا که بعید نیست که به باورها و عقاید او روی بیاورید و تغییر دین یا مذهب بدهید.

تراژدی نهایی:

مسلمانان حسین نوه‌ی محمد، پیام‌بر اسلام، را سیدالشهدا می‌نامند. او از بیعت با خلیفه‌ی نابکار، یزید، سرتافت و در کربلا و در روز عاشورا کشته شد. او و خانواده‌اش در صحرا با لشکر سی هزار نفره محاصره شدند و از آب و غذا محروم شدند و نهایتاً سر از تن‌شان جدا کردند و تن‌شان زیر سم اسبان رفت.

ادوارد گیبون، مورخ انگلیسی، می‌نویسد: «داستان تراژیک مرگ حسین احساسات هر خواننده‌ی دل‌سنکی را نیز تحریک می‌کند.»

از آن روز به بعد، شیعیان در روز عاشورا و روز اربعین، در رثای حسین عزاداری می‌کنند. در بسیاری از سنت‌های اسلامی، عزاداری چهل روزه مرسوم است.

سفر دراز

من به کربلا، شهر اجدادیم، سفر کردم تا بفهمم که چرا این شهر این قدر همگان را از خود بی‌خود می‌کند. مشاهده کردم که حتی بزرگ‌ترین لنزهای دوربین‌ها هم برای به تصویر کشیدن روح این اجتماع پرجوش و خروش اما آرام و ایمن کوچک اند.

انبوهی از مردان، زنان (غالباً با حجاب مشکی) و کودکان از این کران تا آن کران را پر کرده‌اند. جمعیت آن قدر زیاد است که صدها مایل را بند آورده‌اند.

فاصله‌ی ۴۲۵ مایلی میان شهر بندری بصره تا کربلا مسیری طولانی است که معمولاً با ماشین طی می‌شود اما به‌طور خارق‌العاده‌ای در این مراسم، افراد با پای پیاده آن را می‌گذرانند. دو هفته‌ی کامل طول می‌کشد تا زائران این مسیر را طی کنند. آدم‌ها با سن‌های مختلف زیر آفتاب سوزان روز و سرمای استخوان‌سوز شب این مسیر را پیاده می‌روند. آن‌ها از میان مسیرهای ناهموار و از دل نقاط تمرکز تروریست‌ها و از نقاط خطرناک عبور می‌کنند. زائران حتی سازوبرگ‌های اولیه را با خود ندارند و تنها وسایل کمی همراه با عشق آتشین‌شان به «مولا» حسین را با خود می‌آورند. پرچم‌ها و بنرها مقصود این سفرشان را به آن‌ها یادآوری می‌کند:

جان بعد از حسین بی‌ارزش است

مرگ و زندگی م یک‌سان است

رواست که مرا مجنون بخوانند

این پیام شعری حماسی است که عباس، برادر حسین و فرماندهی معتمد او، خوانده است. عباس نیز در نبرد کربلا در سال ۶۸۰ میلادی آن هنگامی که تلاش می‌کرد برای برادرزادگان و خواهرزادگان‌ش آب بیاورد، کشته شد. میزان امنیتی که در عراق وجود دارد و آن را سرخط خبرهای جهانی کرده است، جای شکی نمی‌گذارد که این عبارت یک عبارت اصیل به تمام معناست.

صبحانه، نهار و شام رایگان

یکی از بخش‌های این حرکت زائرانه که هر بیننده‌ای را به شگفتی وامی‌دارد مشاهده‌ی هزاران موکبی است که همراه با آشپزخانه‌ی سیار هستند و توسط روستاییانی ساخته شده است که در محدوده‌ی مسیر پیاده‌روی زائران زندگی می‌کنند. موکب‌ها جاهایی هستند که تمام مایحتاج زائران در آن جا تأمین می‌شود. از غذای تازه گرفته تا جای استراحت؛ از تلفن رایگان بین‌المللی گرفته تا گهواره‌های کودکان؛ همه چیز رایگان است. درواقع، لازم نیست در این مسیر ۴۰۰ مایلی، زائران چیزی غیر از لباس‌هایشان را حمل کنند.

شگفت‌تر از آن نحوه‌ی دعوت از زائران برای خوردن و نوشیدن است. فعالان موکب‌ها به میان راه آمده و به زائران التماس می‌کنند تا پیشنهاد آن‌ها را قبول کنند. غالباً این پیشنهاد شامل سرویس کاملی است که در شأن پادشاهان است. ابتدا پاهای تان را ماساژ می‌دهند؛ سپس یک وعده‌ی غذای لذیذ به شما می‌دهند؛ سپس از شما دعوت می‌کنند

تا در فاصله‌ای که لباس‌هایتان را می‌شویند و اتو می‌کنند، استراحت کنید. البته همه‌ی این‌ها را با افتخار انجام می‌دهند.

برای آن‌که شمه‌ای از ماجرا را درک کنید، به این نکته توجه کنید. پس از زلزله‌ی هائیتی و با حمایت و هم‌دلی جهانی، برنامه‌ی غذای جهانی سازمان ملل اعلام کرد که با تلاش‌های زیادش، نیم‌میلیون وعده‌ی غذایی تحویل داده است. ارتش ایالات متحده منابع عظیمی از آژانس‌های فدرال را فراهم کرد و اعلام کرد که در مدت پنج‌ماه بعد از این فاجعه‌ی انسانی، ۴۰۹ میلیون وعده‌ی غذایی به اهالی هائیتی تحویل داده شده است. حالا این را مقایسه کنید با تعداد بیش از ۵۰ میلیون وعده‌ی غذایی در روز در طول مراسم اربعین که برابر است با حدود ۷۰۰ میلیون وعده‌ی غذایی برای تمام مدت این مراسم. تمام این غذاها نه با سازمان ملل متحد یا هر خیریه‌ی بین‌المللی دیگری بلکه توسط کارگران و کشاورزان فقیری تأمین شده است که عاشق این اند که به زائران خدمت

کنند و تمام سال پس‌انداز می‌کنند. همه چیز، مانند امنیت این مراسم، غالباً بر عهده‌ی رزمندگان داوطلبی است که یک چشم بر داعش دارند و یک چشم بر محافظت از مسیر پیاده‌روی زائران. یکی از افراد فعال در موکب‌ها می‌گوید: «برای آن‌که ببینید اسلام چه آموزه‌هایی دارد، به رفتار چندصد تروریست وحشی نگاه نکنید. بلکه به از جان گذشتگی بی‌چشم‌داشتی نگاه کنید که میلیون‌ها زائر اربعین از خود نشان می‌دهند».

درواقع، از چند لحاظ باید مراسم اربعین در کتاب گینس ثبت شود: بزرگ‌ترین گردهم‌آیی سالانه، طولانی‌ترین میز غذای پیوسته، بیش‌ترین افرادی که به‌رایگان غذا می‌خورند، بزرگ‌ترین گروه داوطلبانه‌ای که به یک واقعه‌ی خاص خدمت می‌کنند و همه‌ی این‌ها در جایی است که تهدید حملات انتحاری وجود دارد.

از خودگذشتگی بی‌همتا

فقط به این جمعیت انبوه نفس‌گیر نگاه کنید. چیزی که باید به این منظره اضافه کنید این است که هرچه شرایط امنیتی بدتر می‌شود، حتی افراد بیش‌تری انگیزه پیدا می‌کنند که تهدیدهای تروریست‌ها را به چالش بکشند و در این موقعیت خطرناک به پیاده‌روی می‌پردازند. بنابراین، این حرکت زائرانه صرفاً یک فعالیت مذهبی نیست بلکه مظهری از مقاومت است. ویدئوهایی در فضای آنلاین منتشر شده است که نشان می‌دهند چه‌طور مهاجمان انتحاری خود را به میان زائران می‌اندازند و صرفاً باعث افزایش جمعیت زائران می‌شوند؛ زائرانی که هم‌صدا می‌خوانند:

اگر دست و پای‌مان را قطع کنند، به سرزمین‌های مقدس می‌رویم.

انفجارهای وحشتناکی که در طول سال اتفاق می‌افتند غالباً علیه شیعیان بوده و جان افراد بی‌شماری را می‌گیرد. این انفجارها خطرات و ناامنی‌هایی که متوجه شیعیان عراق است را نشان می‌دهد. اما به نظر می‌رسد که این تهدیدهای

مرگ‌آور نمی‌توانند مردم — پیر و جوان، عراقی و خارجی — را از این سفر خطرناک به سوی شهر مقدس کربلا بازدارند.

برای فردی که بیرون از این ماجراست راحت نیست که بفهمد چه چیزی به این زائران امید و نیرو می‌بخشد. شما زنان بچه به بغل، مردان ویلچر نشین، مردمان عصا به دست و نابینایان زیادی را در این مسیر می‌بینید. من پدری را دیدم که تمام مسیر بصره تا کربلا را با پسر معلولش سفر کرده بود. پسر دوازده ساله معلولیت ذهنی داشت و نمی‌توانست بدون یاری دیگران راه برود. بخشی‌هایی از مسیر، پدر پسر را روی شانه‌های خود نشانده بود و راه می‌رفت. این داستانی است که می‌توان از روی آن فیلم‌هایی ساخت که قابلیت دریافت اسکار دارند اما به نظر می‌رسد که هالیوود بیش‌تر با قهرمانان کمیک سروکار دارد.

گنبد طلایی حسین

زائران حرم حسین و برادرش، عباس، صرفاً تحت تاثیر احساسات نیستند. آن‌ها به یاد شهادت جانشین ایشان گریه می‌کنند و با این کار، بر دلبستگی‌شان به آرمان‌های او تأکید می‌کنند.

وقتی زائران به حرم حسینی می‌رسند، اولین کاری که می‌کنند خواندن زیارت‌نامه است؛ متن مقدسی که شمه‌ای از مقام حسین را نشان می‌دهد. در این زیارت، آن‌ها حسین را وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی می‌خوانند. در این مطلب، نکته‌ی عمیقی خوابیده است. نشان می‌دهد که پیام حسین در باب حقیقت، عدالت و عشق، امتداد جدایی‌ناپذیر پیام همه پیامبران راستین است.

مردم به کربلا می‌روند اما نه برای آن‌که از مناظر آن لذت ببرند، از زیبایی‌های آن به هیجان بیایند، خرید کنند و اماکن تاریخی را ببینند. آن‌ها می‌روند تا گریه کنند. تا عزاداری کنند و فضای روحانی مرقد حسین را درک کنند. آن‌ها وارد حرم حسینی می‌شوند تا بر بزرگ‌ترین ایثار و ازخودگذشتگی‌ای که تا به حال دیده شده گریه و عزاداری کنند.

انگار همگان پیوندی شخصی با مردی دارند که هیچ‌گاه او را ندیده‌اند. با او سخن می‌گویند و نامش را می‌خوانند. به ضریحش چنگ می‌زنند و زمین حرم را بوسه می‌زنند. در و دیوار آن‌جا را آن‌گونه لمس می‌کنند که انگار صورت یک

دوست صمیمی و قدیمی را لمس می‌کنند. این تصویری حماسی است. انگیزه‌شان چیست؟ باید شخصیت و شأن امام حسین را فهمید و درک کرد که اینان چه ارتباط روحانی ای با سرگذشت جاوید او برقرار می‌کنند.

اگر جهان حسین را، پیاش را و ایشارش را درک می‌کرد، ریشه‌های تاریخی داعش و تملیل آن‌ها به خون‌ریزی را می‌فهمیدند. قرن‌ها پیش در کربلا بود که انسانیت خباثتی را دید که در قتل حسین موج می‌زد. نور در مقابل تاریکی بود. فضیلت در مقابل رذالت بود. حضور حسین در همه‌ی جنبه‌های زندگی دوستدارانش موج می‌زند. سرگذشت حسین رشد و تکامل را تشویق کرده و هیچ نوعی از بایکوت رسانه‌ای نمی‌تواند نور آن را خاموش کند.

این حسین کیست؟

از نظر صدها میلیون نفر از پیروانش، چنین سوالی که حتی ممکن است کسی را به تغییر دین و مذهبش وادارد، زمانی پاسخ می‌گیرد که شما با پای پیاده به سوی حرم حسینی راهپیمایی کنید.



اربعمین با رویکرد منسک شناسی (قسمت اول)

۱) مقدمه

گردهمایی‌های انسانی در پاسداشت مفهومی اجتماعی امری همه روزه و همه گانی است که تجربه تاریخی بشری آن را در تمامی اقوام و ادیان و فرهنگ‌ها شاهد بوده است. تجمعات انسانی در حمایت، رد، ضدیت، بزرگداشت، یادآوری و... از جمله مشترکات جوامع گوناگون بشری است. انسان‌ها گرد هم می‌آیند و هنجارها و ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش را گرمی می‌دارند و در هویتی جمعی آنان را فهم و باور کرده، معرفی می‌نمایند.

شکل‌گیری این دست از تجمعات انسانی دلایل و عوامل مختلف دارد و این گردهمایی‌ها با اغراض و اهداف گوناگونی برگزار می‌شود. اجتماعات و گردهمایی‌ها گاه ریشه در وابستگی‌های قومی دارد، گاه حکایت از احترام و همسبستگی به آداب و رسوم سنتی است، گاه اجتماعی است نظامی - سیاسی در ایجاد روحیه جنگاوری و حامیانه از کیان جمعی و گاه برای حمایت از حاکمیت سیاسی - اجتماعی است. در دنیای مدرن نیز انگیزه‌های دیگری از

گردهمایی‌ها را شاهدیم که لذت‌گرایی مکاتب غربی مروج آن است و زندگی بشر در گذشته هیچ گاه به این گستردگی و فراوانی تجربه و عادت به آن نداشته است. گردهمایی‌های تفریحی و سرگرم‌کننده، همچون المپیک،

بازی‌ها و مسابقات ورزشی، جمع شدن در یک ورزشگاه برای دیدن بازی فوتبال و یا جمع شدن در یک سالن بزرگ برای شنیدن موسیقی راک، و مانند اینها لکن یکی از انواع اجتماعات و گردهمایی‌های بشری که سابقه‌ای طولانی و مشترک دارد و در میان بسیاری از اقوام و جوامع گوناگون قابل مشاهده است، گردهمایی‌های دینی و مذهبی است. بسیاری از عبادات و فرایض دینی در ادیان آسمانی و حتی مکاتب دینی خود ساخته بشری، در قالب تجمعات گسترده و پر شکوه بشری برگزار می‌شود. هرچه گزاره‌های جمعی و اجتماعی آن عقیده دینی گسترده‌تر می‌شود، میزان و کیفیت عبادات جمعی و نقش و جلوه اجتماعی آن پررنگ‌تر می‌گردد. این فرایض و عبادات، ناظر به شعائری است که یک مکتب فکری، عقیدتی یا نظام سیاسی، مردم را به تکریم و پاسداشت آن فرا می‌خواند و دارای اهداف و غایاتی متعدد است. غایاتی که علاوه بر رشد و تعالی درونی، روشن است که منظوری اجتماعی و فرا فردی دارد.

دین اسلام به عنوان آخرین مکتب توحیدی آسمانی که در متکامل‌ترین سطح بر انسان عرضه شده است، تأکید بسیاری بر مناسک جمعی و عبادات جمعی دارد و مسئولیتی فرا فردی را تعریف می‌کند. اسلام جلوه‌های بسیاری از تجمعات انسانی را به صورت سالیانه چون حج تمتع، هفتگی همچون نماز جمعه و یا روزانه چون نماز جماعت توصیه می‌کند که همگی این فرایض و عبادات کار ویژه‌ای اجتماعی و فرا فردی دارند.

اما آن چه که موجب اهمیت و ضرورت پرداخت به مفهوم مناسک اجتماعی در شرایط فعلی می‌گردد، اجتماعی عظیم در شکلی بی‌مثال و نوین آن هم در دنیای کم‌معنویت امروز است، به عنوان زیارت اربعین امام حسین (ع) در کشور عراق. سؤالات بسیاری پیرامون این حادثه کم‌نظیر و نقش مناسک دینی - اجتماعی می‌توان طرح کرد. برخی از آن سؤالات که در این مجال بدان پاسخ خواهیم گفت عبارتند از: چه نسبتی میان مفهوم مناسک سیاسی و اجتماعی اسلامی و غربی وجود دارد؟ اربعین چه ویژگی‌های منحصر به فردی در میان مناسک جدید سیاسی و اجتماعی دینی دارد؟ چه ارتباطی میان مناسک اربعین و تمدن نوین بشری است که ظهور را مقدمه سازی می‌کند؟ آیا مناسک اجتماعی آن هم در قرائت دینی در دنیای مدرن امروز کارآمدی لازم را دارد؟ ظرفیت‌ها و زیر سیستم‌های تمدنی مناسک اجتماعی اربعین کدام است؟

۲) مفهوم مناسک اجتماعی و سیاسی

مفهوم مناسک اجتماعی و سیاسی، ناظر به جهان بینی و مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و تعریف نقش دین در عرصه تحولات اجتماعی در مکاتب گوناگون، تعاریف متفاوت می‌یابد. اسلام در رویکرد اجتماعی خود، رویکردی متفاوت به نقش دین در عرصه‌های اجتماعی نسبت به غرب دارد و مفهوم مناسک اجتماعی در گفتمان اسلامی متفاوت از گفتمان غربی جلوه‌گر است. در ادامه به این دو نوع گفتمان و تعریف از مناسک اجتماعی می‌پردازیم.

مناسک اجتماعی و گفتمان اسلامی

در تعریف لغوی در ادبیات دینی مناسک از ریشه نسک است که صحیح‌ترین تعریف آن دال بر عبادت و تقرب به خداوند متعال است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۱۰۵). و مناسک مذهبی است که انسان الزام شده است به آن و این مفهوم توسعه یافته و به معنای عبادت و طاعت جعل شده است و از همین رو برخی فرد عابد را ناسک تعبیر نموده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۹۵).

مناسک همانا جمع واژه «منسک» است و آن موضعی است که در آن خداوند مورد عبادت قرار گیرد و در آن تقرب الهی طلب شود به واسطه اعمال صالحی که مورد رضایت الهی اوست، همچون ذبح کردن ذبیحه ای برای او و یا

خواندن نماز و یا طواف و یا سعی صفا و مروه نمودن و مانند این اعمال صالح و از همین روست که به اعمال حج منسک گویند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۳۵).

راهی برای اطلاع و آگاهی بر حقیقت مناسک و باطن شریعت جز اعلام و نمایاندن آنها از طرف خدا نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۳). تمامی امت های گذشته دارای عباداتی خاص خود بودند و به انجام آن اهتمام داشته اند. در فرهنگ دینی برخی از مناسک و عبادات افزون بر طریقت آنها جهت تقرب الی الله، دارای آثار و پیامدهای سیاسی - اجتماعی نیز می باشند. این سنخ از مناسک به «شعائر الهی» موسومند که احیاء و تکریم آنها به مثابه زنده نگاه داشتن دین و حفظ دستاوردهای آن است؛ «وَمَنْ يَعْظُمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». «بنابراین برخی عبادات اسلامی به صورت جمعی صورت می گیرد و به نوعی اجرا می شود که نمایاندن و اعلام آن جزء شروط انجام آن است و از سوی شارع حکیم قصدی در بزرگ داشت اجتماعی آن وجود دارد.

از سوی دیگر بر اساس قرائت صحیح و حداکثری از دین مبین اسلام، دین با امور اجتماعی دارای پیوندی اساسی است، حوزه ی دخالت دین را در سیاست بسیار وسیع می داند و دین را متکفل ارائه برنامه جامع زندگی انسان در همه ی ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی آن می داند. عدم برنامه ریزی و طراحی نظام را نقص دین می داند اصولاً توجه به سه بخش اصولی تعالیم اسلام: ایدئولوژی، شریعت و اخلاق، خود مبین این رابطه عمیق، اصولی و جدایی ناپذیر میان آن دو است و با توجه به محتوا و مسائل ماهوی دین و سیاست، جایی برای تردید باقی نمی ماند که در اسلام رابطه ی دین و سیاست یک رابطه منطقی و ماهوی است و این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و جدایی ناپذیر، و به عبارت دیگر این رابطه به عنوان یک اصل و مبنای کلی و زیر بنایی در تفکر اسلامی غیر قابل انکار می باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، صص ۷۶-۷۷).

از بیانات امام خمینی (ره) نیز این رویکرد فهمیده می شود: «اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار

نموده است... قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند.» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱، صص ۱۷۶-۱۷۸)

با توجه به دو مقدمه پیش گفته مناسک دینی اسلام از دو جنبه دارای حضور پر رنگ و مؤثر اجتماعی هستند. اولاً دین اسلام در همه اضلاع زندگی سیاسی - اجتماعی انسان حضور دارد و بنابراین ماهیتاً دینی اجتماعی است. ثانیاً

مفهوم مناسک اجتماعی در ادبیات اسلامی رنگ و بوی دینی می گیرد و به عبارتی صحیح تر مناسک عبادی جلوه ای اجتماعی می یابند. حج به عنوان بزرگ ترین اجتماع سالانه مسلمان با مناسکی چون برائت از مشرکین همراه است و برائت از مشرکان و دوری گزیدن و ابراز انزجار از آنها و قطع دستانشان و اعلان صریح این مواضع، مناسک سیاسی حج است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). خطیب نماز جمعه در خطبه دوم پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی سخن می گوید، عزاداری سالار شهیدان مانور اجتماعی مسلمانان است که چهارده قرن است الهام بخش تحولات

سیاسی — اجتماعی در جهان اسلام است و تجربه انقلاب اسلامی مردم ایران گویای این مسئله است. بنابراین هم کارکرد و تعریف دین در مکتب اسلام با مکاتب مادی غربی متفاوت است و هم به تبع این رویکرد، مناسک اجتماعی جلوه‌ای متفاوت دارند.

منسک اجتماعی در گفتمان غربی

امیل دورکهایم به عنوان یک جامعه‌شناس از اولین اندیشمندان اجتماعی بود که بر نقش بسیار مهم مناسک برای همگرایی اجتماعی تأکید کرد. به نظر دورکهایم برخی از جنبه‌های دین که وی آنها را به مثابه جنبه‌های «ابتدایی» دین معرفی می‌کند، برای کارکرد و همگرایی اجتماعی همه‌ی جوامع ضروری در نظر گرفته می‌شوند. از نظر دورکهایم، مناسک به مثابه پیوند دهنده‌هایی سمبلیک هستند که یک جامعه نسبتاً انتزاعی را منسجم می‌سازد (نش، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰).

مفهوم اساسی در اندیشه او همبستگی است و تلاش دارد با ارائه راهکارها و ابزارهایی حداکثر همبستگی را در جامعه فراهم آورد. از میان ابزارهایی که وی بر نقش و چهره همبستگی آفرین آنان توجه دارد، مذهب است. به

عقیده وی مذهب جنبه‌ای سمبلیک و نمادین دارد و می‌تواند در قالب مناسک جمعی، هویت جمعی فراهم آورد و کارکردی شناختی دارند.

مذاهب برای افراد عضو جوامع، ابزارهای شناختی لازم را به منظور تفسیر واقعیت اجتماعی فراهم می‌کنند. اعمال مذهبی نیز همانند مناسک، ابزارهای مهمی فراهم می‌کنند که به لحاظ اجتماعی، معیارهایی تثبیت شده و مکرر برای بیان و جلوه‌گری واقعیت‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند. فراتر از همه، این جنبه‌های مذهبی، نشان دهنده وابستگی متقابل اعضاء جوامع در قالب یک گویش نمادین ویژه است (گورویچ، ۱۳۵۱، ص ۲۲۰). مناسک مذهبی احساس تعلق و تعهد را در فرد ایجاد و همزمان به صورتی فراگیر شرایط ضروری زندگی اجتماعی را فراهم می‌کنند. کارکرد مناسک «تقویت تعهداتی است که فرد را به جامعه‌ای پیوند می‌دهد که عضو آن است (گورویچ، ۱۳۵۱، ص ۲۲۶).

به عقیده دورکیم «هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که لازم نداند در فواصل منظم زمانی، احساسات و آرمان‌های جمعی را به علامت حفظ آنها و تصدیق دوباره آنها به نمایش بگذارد؛ زیرا اینها هستند که عناصر سازنده وحدت و شخصیت یک جامعه را تشکیل می‌دهند. جامعه ضمناً می‌داند که این بازسازی معنوی و اخلاقی امکان ندارد، جز به وسیله گردهمایی‌های مکرر و بر پا کردن تجمعات و جلساتی که در آنها افراد به اتفاق به تأکید مجدد بر احساسات جمعی خویش بپردازند.»

دین و «مناسک اجتماعی — سیاسی» در اندیشه وی دارای دو کار ویژه اساسی هستند، کار ویژه نخست آنان «کارکردهای شناختی» است. بدین معنا که دین و مناسک سیاسی منجر به معرفی و شناخت مؤلفه‌های فکری و مبانی فکری نظام سیاسی و دینی در مردم می‌شود. فرد با شرکت در مناسک دینی و مناسک سیاسی با ابعاد مختلف دین و سیاست آشنا و سطح آگاهی‌اش افزایش می‌یابد. کار ویژه دیگر دین و مناسک اجتماعی — سیاسی «کارکردهای همبسته‌ساز» است. بدین معنا که با انجام مناسک اجتماعی — سیاسی و دینی به صورت جمعی هویت جمعی در جامعه ایجاد می‌شود و به نوعی وحدت و همبستگی منتهی می‌شود.

لکن به عقیده وی در فرآیند سکولارشدن جوامع غربی، دین کارکرد همبستگی ساز خود را از دست داده است و از سوی دیگر مناسک اجتماعی — سیاسی هم که دارای کارویژه‌های دوگانه شناختی و همبستگی ساز بودند، از نقش آنان کاسته شده است. مناسک اجتماعی — سیاسی به سبب رشد نظام‌های آموزشی گسترده و عمومی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها کارویژه شناختی خود را از دست داده‌اند و کارویژه همبستگی ساز مناسک اجتماعی — سیاسی هم صرفاً نمادین است.

مطابق با استدلال دورکهایم، در جوامع مدرن آن کارکرد شناختی که مذاهب در سنتی پیشا مدرن بر عهده داشتند، بر دوش نهادهای دیگری انداخته شده است. علم در جامعه مدرن به مثابه اصلی‌ترین منبع شناخت از

مذهب پیشی گرفته است. با این حال حتی در جوامع مدرن نیز همگرایی اجتماعی هنوز تا حدود زیادی به «آیین و ایمان» وابسته است (نش، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). بنابراین وی نقش شناختی مذهب را از دست رفته می‌داند و تنها تا حدودی بر نقش همگرایی و همبستگی آفرین مذهب باور دارد.

نقد رویکرد غربی و بیان تعریف مختار

آیا نسخه و رویکرد دورکهایم در جوامع اسلامی هم قابل تعمیم است؟! برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که آیا «دین» و «مناسک اجتماعی» در اندیشه اسلامی و غربی تعریفی یکسان دارد یا متفاوت است و بعد به تعمیم و یا عدم تعمیم نسخه فوق اندیشید.

برخلاف آن چه در اندیشه دورکهایم و دیگر اندیشمندان غربی بدان اشاره شده یعنی کاهش نقش دین در دوران مدرن و جوامع پیچیده و سکولار شدن جوامع، وقوع تحولات اجتماعی و سیاسی بسیار در دهه‌های اخیر همچون انقلاب اسلامی در ایران که نقش دین در دوران مدرن و در حوادث پیچیده اجتماعی نظیر انقلاب‌ها را نشان می‌دهد. بیداری اسلامی در سطح جهان اسلام که اشتیاق مسلمانان به حضور اسلام در عرصه‌های اجتماعی اعم از شکل حکومت، قانون گذاری نشان داد حکایت از حضور حداکثری دین است.

در نتیجه دین در حوزه اجتماع و سیاست حضوری حقیقی و مؤثر دارد. این رویکرد خط بطلان بود بر نگرش‌های حداقلی به دین که نهایتاً آن را در قالب معنویت فردی تعریف می‌کردند. بنابراین هم کارکرد و تعریف دین در مکتب

اسلام با مکاتب مادی غربی متفاوت است و هم به تبع این رویکرد مناسک اجتماعی — سیاسی جلوه‌ای متفاوت دارند.

مطالعات جامعه‌شناسی غربی برای درک برخی واقعیت‌های اجتماعی در غرب، شاید کارآمد باشد. لکن نمی‌توان پذیرفت که یافته‌های ایشان به جوامعی که تجربه غرب و مادی‌گرایی مدرن را از سر نگذرانده‌اند و دین و آیین آنها نیز نسبتی با نقش مذهب در جوامع غربی ندارد، به آسانی قابل تعمیم باشد. تأکید بر مفاهیم اجتماعی و اسلام سیاسی در هیئات مذهبی که از جمله مهم‌ترین مناسک دین و سیاسی شیعیان است.

تجربه جمعی و تحولات اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که دین و مذهب هم کارکرد شناختی خویش برای تفسیر جهان اجتماعی و هم کارکرد همبسته ساز خود را در همگرایی اجتماعی حفظ نموده است. با نگاهی گذرا به تجربه

تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمان در عصر حاضر معاصر، نیاز چندانی به استدلال در این باره دیده نمی‌شود.

جریان روحانیت دینی توانسته است شناخت دینی، اثرگذاری و تعیین کنندگی آن را در متن زندگی اجتماعی مسلمانان، تثبیت و در پاره‌ای موارد آن را تقویت کند و ارتقا بخشد. برای درک وجوه عینی این اثرگذاری، کافی است به ماهیت انقلاب اسلامی ایران توجه کنیم که نقش شناختی و همبسته ساز دین در زمینه سازی و پیروزی بخشی آن از هیچ منظری قابل انکار نیست.

امام خمینی (ره) نهضت اسلامی و مردمی خویش را در بستری از مناسک دینی آغاز کرد. سخنرانی مشهور ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ امام، در عصر عاشورا و در میان انبوه جمعیت متدینی ایراد شد که برای سوگواری بر سومین امام شیعیان گرد آمده بودند. ایشان در آن سخنرانی حمله نیروهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه را به فاجعه کربلا تشبیه نمود. به دنبال این سخنرانی رهبر انقلاب دستگیر و محبوس شد اما پیام وی در بستری از عواطف مردم عزادار در مناسک ماه محرم انتقال یافت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز «مناسک دینی - سیاسی»، مقوم جمهوری اسلامی گردید. حتی در ۲۲ بهمن یعنی روز ملی ایران و در حالی که مردم در سراسر کشور راهپیمایی‌های عظیمی به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در خیابان‌ها به راه می‌اندازند، تلقی مذهبی از این اقدام آشکارا در میان کنشگران دیده می‌شود.

در واقع یک انگیزه مهم - و شاید مهم‌ترین انگیزه - این کنشگران که توسط خود آنها اظهار می‌شود، عمل اجتماعی - سیاسی به عنوان یک واجب شرعی و در چهارچوب مناسکی دینی است. همچنین حضور در انتخابات‌ها در طی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از آن که حضوری سیاسی تعریف شود، حضوری تکلیفی و شرعی است و فعالیت‌های اجتماعی که مناسکی غیر دینی به نظر می‌رسد در سبد مناسک دینی جلوه می‌کند.

در عرصه جهان اسلام نیز امروزه مراسم اربعین سالار شهیدان که سال به سال با شکوه تر و گسترده تر برگزار می‌شود و از آن به عنوان بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی جهان یاد می‌شود، امروزه در نگاه دوستان و دشمنان تبدیل به بزرگ‌ترین مانور قدرت مسلمانان در شرایط حساس منطقه شده است.

البته شایان ذکر است که بسیاری از اندیشمندان اجتماعی غربی نیز بر خلاف نظر دورکهایم درباره ی افول گسترده مناسک در جوامع صنعتی مدرن، بر وجود دائمی رفتار آئینی در قلمرو سکولار تأکید کرده‌اند. اندیشمندانی چون شیلز، یونگ و بلومر بر این امر توجه داشته‌اند (نش، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

پیرامون نقش دین در عرصه شناختی نیز این نکته قابل توجه است که دورکهایم در چارچوب نظام روش شناختی علم تجربی و اثبات‌گرا، میان علم و دین تفکیک قائل می‌شود. رویکردی مادی‌گرا و اثبات‌گرا که برای امور ماورائی و معنوی در علم جایگاهی تصور نمی‌کند. روشن است که تفکیک علم و دین در اندیشه غربی و سکولار قابل فهم است و غرب چاره‌ای جز تفکیک دین تحریف شده کلسایی و علم تجربی ندارد. حال آن که این تفکیک علم و دین در نظام اندیشه اسلامی امر قبیح و غیر قابل پذیرش است. دین تشویق به علم و علم در چارچوب دینی فهم می‌شود و باور به علم دینی است.